

فلسطین؛ ریشه‌های درد

□ علی باقری چیده

دشمنی اصلی اسلام و قرآن کریم و پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله و سلم، ابرقدرت‌ها خصوصاً آمریکا و ولیده فاسدش اسرائیل است» امام خمینی (ره) (صحیفه امام - ج ۱۹ - ص ۲۸)

از ذخایر عظیم انرژی جهان و به طریقی ریشه در انرژی نفتی دارد. ذخایر نفتی منطقه در رقابتهای منطقه‌ای، اهداف استعماری و دکترینهای سیاست خارجی دول ابر قدرت از جایگاه خاصی برخوردار است.

فلسطین در قدیم کنعان نام داشت و حمل ظهور پیامبرانی چون حضرت موسی (ع) عیسی (ع) و محل زندگی و عبور حضرت ابراهیم (ع) بوده؛ اهمیت تاریخی این منطقه بر جنبه‌های عبادی و مذهبی برمی‌گردد و اهمیت کنونی علاوه بر آن، بدلیل واقع بودن در منطقه خاورمیانه است.

□ مفهوم صهیونیست و شناختی اجمالی از یهود:

صهیون در لغت به معنای کوه پرافتاب و خشک است و نام کوهی است در اورشلیم (بیت المقدس) و بعضاً به کل اورشلیم نیز اطلاق می‌شده صهیون آرامگاه حضرت داود و حضرت سلیمان و عده‌ایی از انبیای بنی اسرائیل است گفته می‌شود «تابودت مهدا» نیز تا زمان حضرت سلیمان در کوه صهیون نگهداری می‌شده که با کمیل بنای بیت المقدس به قدس انتقال داده‌اند.

غالب وقایع بین‌المللی مهم در دو دهه اخیر در خاورمیانه و مناطق حول محور آن روی داده است - جنگ تحمیلی هشت ساله ایران با عراق - جنگ نفتکشها در خلیج فارس و حمله عراق به کویت و متعاقب آن انجام عملیات طوفان صحرائی نیروهای غربی به رهبری آمریکا و تک تازی و نفوذ در منطقه شاهرک حیاتی نفت - بحران ظهور و سقوط لبنان - همه این وقایع در نزدیکی یکی

صهیونیست که از این واژه گرفته شده، نهضت گروه افراطی یهود برای تسلط بر بیت المقدس که مقدسات ملی و مذهبی ایشان توسط پادشاهان بنی اسرائیل حضرت داود و سلیمان در این شهر بنا شده است این

گروه افراطی اعتقاد دارند برای رجوع به «ارض موعود» از هیچ سعی و تلاشی نباید دریغ کرد حتی کشتار بی‌رحمانه و وحشیانه ساکنین منطقه.

طبق آئین دین یهود - یهودی بودن بر طبق ۲ اصل امکان‌پذیر است.

«اولی عقیدتی (اعتقاد و ایمان به دین یهود) و دومی نژادی (متولد شدن از مادر یهودی)، یهودی ملحد نیز یهودی محسوب می‌شود.»^۲

گروه‌های یهودی بر اساس نژاد به سه دسته تقسیم می‌شود ۱- سفاردی‌ها ۲- اشکنازیها ۳- یهودیان مشرق‌زمینی و جهان اسلام. سفاردیها از نژاد متمول و اشراف یهود در گذشته بوده و زیستن با اشکنازیها را بر خود شرم می‌شمارند و دشمنی دیرینه‌ای با هم دارند. اشکنازیها یهودیان مشرق اروپا هستند و صهیونیست از این گروه برخوردارند و اصلیت آنان آلمانی است.

«اشکنازیها همان یهودپانی هستند که ریشه اروپایی دارند و اغلب یهودیان آمریکای شمالی و جنوبی اشکنازی الاصل‌اند. اشکنازیها بزرگترین گروه نژادی هستند و در مسایل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اسرائیل اثرگذارترین گروه به شمار می‌روند»^۲ و سرانجام یهودیان مشرق‌زمین و جهان اسلام که خود به چند دسته تقسیم می‌شوند که یهودیان ایرانی، عربی - سامری‌ها - کردها بربرها از گروه‌اند. اینان در

گذر زمان خود را با شرایط مناطق استقرارشان وفق داده‌اند و آداب و فرهنگ منطقه زیستگاه خویش را چون سفاردی‌ها قبول داشته و با فرهنگ‌پذیری زیستگاه خویش کنار آمده‌اند سفاردی‌ها و یهودیان مشرق‌زمین در آداب و رسوم عبادت شبیه به هم‌اند.

گروه‌های یهودی از نظر تفسیر عقاید یهودیت به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند ۱- یهودیت ارتدوکسی که اعتقاد دارند

تورات از جانب پروردگار نازل شده و تمامی دستورات و عملهای آن لازم الاجرا است. ۲- یهودیت اصلاح طلب و یا عبارتی سکولار که عقل را بر همه چیز حاکم دانسته و اعتقاد دارند زندگی فردی و اجتماعی از یکدیگر قابل تفکیک‌اند در خارج از خانه شهروند و در داخل خانه یهودی محسوب خواهند شد.

۳- یهودیان محافظه‌کار که اعتقاد بر ثابت بودن روح ملت یهود دارند و تغییر میراث یهود در مقتضای زمان و مکان را در چارچوب ثابت بودن روح ملت یهود قبول دارند. ضمناً اصلاح طلبان و محافظه‌کاران اعتقادی بر نزول تورات از سوی پروردگار ندارند بلکه تورات را کتابی حکیمانه و عالمانه می‌دانند که خداوند بر پیامبران و بندگان برگزیده الهام فرموده است.

«یهودیت اصلاح طلب و محافظه‌کار خاخام شدن زنان و هم‌جنس‌بازی (میان پسران و دختران) و خاخام شدن

هم‌جنس‌بازان را مجاز می‌شمارند اکثریت قاطع یهود دنیای غرب، قومی محافظه‌کار یا اصلاح‌طلبند و ارتدوکس‌ها حداکثر ۵٪ آن را تشکیل می‌دهند.^۲

با گسترش یهودستیزی در اواخر قرن ۱۹ و خاتم اوضاع سیاسی اقتصادی و معیشتی یهودیان روسیه و شرق اروپا و مهاجرت آنان به کشورهای اروپای غربی جنبش صهیونیستی به فعالیت پرداخته و با افسانه‌سرایی تملک سرزمین فلسطین را از دیرباز حق مسلم خویش دانسته و بازگشت به سرزمین موعود را زمره می‌کنند در این زمان دو تفکر در بین یهودیان بود - گروه صهیونیستی که خود را ناجی گروه‌های یهودی معرفی می‌کنند اعتقاد به سرزمینی موعود را دارند در حالی که گروه دیگر! یهودیان معتقدند خداوند خود زمان بازگشت و شرایط آن را فراهم خواهد آورد. بخش صهیونیست سیاسی به کوشش تئودور هرتزل بنیانگذاری گردید وی معتقد بود قوم یهود قابل ادغام با دیگر ملت‌ها نیست. وی با چاپ کتاب «دولت یهود» در سال ۱۸۹۶ م اعتقادات و بینش خویش را برای بدست آوردن سرزمین واقعی یهود اعلام می‌کند. اولین کنگره سازمان صهیونیستی در پازل سوئیس در سال ۱۸۹۷ به کوشش و ریاست وی برگزار می‌گردد. تئودور هرتزل در این کنگره اعلام می‌کند:

«ما قصد داریم سنگ بنای خانه‌ای را که

امت یهود در آن مأوا خواهد گرفت بگذاریم ... و صهیونیسم در پس ایجاد وطن ولی یهودی در فلسطین با ضمانت قانون و شناسایی بین‌المللی است»^۳

هرتزل به منظور گره زدن سرنوشت طرح ایجاد «وطن ملت یهود» با منافع استعمارگران اواخر قرن ۱۹ ادامه و چنین می‌گوید:

«اتخاذ تدابیر اولیه برای کسب موفقیت لازم برای تحقق هدف صهیونیسم که دست‌یابی به این امر جز از راه مذاکرات سیاسی با کشورهای بزرگ به منظور پذیرش حقوق قانونی یهود و مهاجرت وسیع یهودیان [به فلسطین] امکان‌پذیر نیست»^۴

روژه گارودی نویسنده فرانسوی نیز تنها چاره بقای رژیم نژادپرست اسرائیل را چنین بیان می‌کند «اسرائیل همچنانکه هرتزل پیش‌بینی کرده بود، نمی‌تواند بدون انطباق خویش با محیط، در خاورمیانه زندگی کند. مگر به شرطی که بصورتی نماینده وکیل یک استعمار مشترک با عرب باشد»^۵

□ هرتزل معتقد بود که قوم یهود قابل

ادغام با دیگر ملت‌ها نیست.

در کنگره چهارم در سال ۱۹۰۰ در لندن مقصود هرتزل از کشور بزرگ مشخص می‌شود

«انگلستان» انگلستان کبیر، انگلستان آزاد،

انگلستان مشرف بر همه دریاها، آرزوهایمان را درک خواهد کرد، تفکر صهیونیسم از همین جا آغاز و به اوج خواهد رسید و ما نسبت به این موضوع اطمینان داریم»^۶ به راستی هرتزل چه خوب پیش‌بینی کرده بود که صهیونیسم از همین‌جا (لندن) آغاز و به اوج خواهد رسید. دومین فردی که تا حدودی آرمانهای سازمان صهیونیست را تسریع داد «حییم وایرمن» از فعالان صهیونیست روسیه بود. وی با آغاز جنگ جهانی اول بازرگی دریافت که احتمال پیروزی انگلیس در جنگ جهانی اول محرز است. بدین منظور کم‌کم از مرکز نقل سازمان در برلین فاصله می‌گیرد و با قبول ریاست انجمن صهیونیست انگلیس و با حمایت صهیونیست‌های آمریکایی و تلاش که در انگلستان بعمل می‌آورد ضمن فراهم‌آوردن شرایط مناسب برای اعلام بیانیه بالفور (وزیر خارجه انگلیس) زمینه‌های قیومیت انگلیس بر فلسطین که تا قبل از جنگ جهانی اول جزء امپراطوری عثمانی به شمار می‌رفت را فراهم آورد.

وزیر خارجه انگلیس به پاس زحمات وایرمن و یارانش برای وارد کردن آمریکا به جنگ به نفع متفقین و هم‌راستا با آرمانهای صهیونیست با طرح‌های استعماری انگلستان در منطقه، بیانیه بالفور را در سال ۱۹۱۷ اعلام نمود و طبق بیانیه تاسیس «کانون ملی یهود» در سرزمین فلسطین تصریح گردید به واقع حمایت‌های انگلیس از سازمان صهیونیست و

صدور بیانیه بالفور در راستای سیاست‌های استراتژیک منطقه‌ای خاورمیانه بود.

بیانیه بالفور را می‌توان توافقی بین جنبش صهیونیست با طرح‌های استعماری دراز مدت بریتانیای کبیر تلقی نمود که در این راستا مازاد مهاجرین یهود شرق اروپا که تمایل داشتند در غرب و در آسایش زندگی را سپری کنند به ازای فراهم آوردن امکانات مشابه غرب در فلسطین با حمایت‌های همه جانبه در رساندن به آرزوی دیرینه صهیونیست و مراجعت به «سرزمین موعود» انجام گرفت که صهیونیست نیز می‌بایست در مقابل اهداف و طرح‌های استعماری انگلیس را حمایت همه جانبه نماید و همواره خدمتگذار و مدافع منافع ملی انگلیس و اکنون آمریکا در غرب باشد.

عوامل موثر بر تأسیس رژیم اسرائیل عبارت بودند از: ۱- پشتیبانی دولت بریتانیای کبیر از ایجاد وطن ملی یهود در فلسطین ۲- برنامه‌ریزی و تلاش سازمان جهانی صهیونیست به منظور پی‌ریزی رژیم صهیونیستی ۳- تلاش سازمان جهانی صهیونیست در ترغیب و تشویق مهاجرت یهودیان سرتاسر دنیا به فلسطین.

پس از پایان جنگ جهانی دوم و پیروزی متفقین بر آلمان و متحدانش، آمریکا که در جنگ خسارت چندانی ندیده بود تلاش کرد خلاء حاصل از ناتوانی انگلیس در منطقه را جبران کند صهیونیستها که به درستی انتقال

□ هر تزل: ما قصد داریم سنگ بنای خانه‌ای را که امت یهود در آن ماوا خواهد گرفت بگذاریم و صهیونیسم در پس ایجاد وطن ملی یهودی در فلسطین با ضمانت قانون و شناسایی بین‌المللی است.

قدرت را دریافته بودند از این پس منافع ملی اسرائیل را با آمریکا پیوند زدند و با شروع جنگ سرد دو قطب - اسرائیل جایگاه مطمئنی در استراتژی آمریکا برای ممانعت از نفوذ شوروی در منطقه به دست آورد از این پس رابطه اسرائیل با آمریکا یک ارتباط متقابل با بهره‌برداری دو جانبه گردید آمریکا برای ثبت پایه‌های قدرت رژیم صهیونیستی از هیچ حمایت و امکاناتی دریغ نکرد در مقابل رژیم صهیونیستی نیز پایگاه مطمئن حافظ منافع ملی آمریکا در منطقه گردید.

اولین کنگره پس از تاسیس رژیم نژادپرست اسرائیل در سال ۱۹۵۱ برگزار گردید اهداف آن چنین اعلام شد

«یکپارچه ساختن ملت یهود و متمرکز نمودن حیات ایم ملت بر محوریت دولت اسرائیل، جمع‌آوری ملت یهود در میهن تاریخی خود - سرزمین اسرائیل - از طریق مهاجرت، تحکیم و تثبیت پایه‌های دولت یهودی اسرائیل، پیشبرد آموزش‌های یهودی و عربی؛ تقویت ارزش‌های معنوی و فرهنگی یهودی؛ و دفاع از حقوق یهودیها در هر کجا»

که ساکن هستند.^۸ پس از جنگ پنجم ژوئن ۱۹۶۷ که اسرائیل کرانه باختری اردن و بلندیهای جولان و نوار غزه و حمراى نيسا و بیت‌المقدس را اشغال کرد با تاکید بر حفظ مناطق اشغالی، شهرک سازی در این مناطق را در الویت اول برنامه‌های خویش قرار داد.

در سالهای بین ۱۹۵۴ و ۱۹۷۲ غرامت‌های پرداختی آلمان کمک‌های یهودیان اروپا و آمریکا و سود سهام اسرائیل در شکوفایی اقتصادی و تثبیت این رژیم نقش به‌سزایی ایفا کرد و با این امکانات و حمایت‌های اقتصادی و کمک‌های بلاعوض آمریکا شهرک‌سازی در مناطق اشغالی را توسعه داد.

شهرک سازی نوار غزه به نسبت سایر مناطق اشغالی دیرتر آغاز گردید - به دو دلیل، اول تراکم بالای جمعیتی اعراب در این منطقه دوم مقاومت سرسختانه مردم این منطقه در برابر اشغالگران تا قبل از سال ۱۹۹۲، ۱۶ شهرک در این منطقه بعضاً با فاصله‌های ۲۰ کیلومتر از هم احداث گردید نکته مهمی که رژیم نژادپرست در طی

احداث شهرکها همیشه به آن توجه کرد - سیاست راهبردی ایجاد مناطق حائل به دور اسرائیل بود، و بعضاً شهرکهایی در این مناطق احداث می‌شود که هیچ توجیه اقتصادی ندارد - هم اکنون بیش از ۲۱۰ شهرک یهودی نشین در سرزمینهای اشغالی احداث شد، به واقع شهرک سازی به خودی خود نه تنها هدف است بلکه وسیله‌ای برای سلطه سیاسی بر فلسطین نیز می‌باشد.

زمینه‌های اشتیاق به صلح کشورهای عربی و رژیم نژادپرست:

به نظر می‌رسد کشورهای عربی به دو دلیل مشتاق برقراری روابط عادی با رژیم نژادپرست اسرائیل باشند ۱- به منظور جلب حمایت آمریکا، عادی‌سازی روابط با اسرائیل را به مصلحت خویش می‌دانند - البته جلب حمایت غرب و آمریکا برای کشورهای عربی نیز ناشی از تنش‌های مرزی و منطقه‌ای و یا بعضاً درصد پایین مشروعیت مردمی حکومت‌های این کشورها است. ۲- ثانیاً امکان رشد و تبادلات اقتصادی اعراب با اسرائیل در منطقه بخصوص بعد از انعقاد توافق نامه ۱۹۹۳ اسرائیل با ساف سازمان آزادیبخش فلسطین نشان، از این دارد که کشورهای عربی منافع آتی خویش را برستم روا شده به مردم فلسطین توجیح می‌دهند و چه بسا به همین دلیل است که از ۲۲ کشور عربی در جنگهای بین اعراب و اسرائیل، درگیرها به چند کشور حاشیه فلسطین

خلاصه شده است و به نظر مشکلات داخلی و منافع ملی حاصل از روند پیشرفت افکار ناسیونالیستی مانع از اقدام جدی بر علیه اسرائیل از بدو تأسیس این رژیم شده است و از سوی دیگر به نظر اشتباه بزرگی که اعراب و چه بسا کشورهای خاورمیانه از ابتدای تأسیس این رژیم نژادپرست داشتند تلقی بحران عربی بودن این پدیده بود. زمینه‌های همکاری تعدادی از کشورهای عربی با اسرائیل به نوشته روزنامه هرالدتیریون بین‌المللی در ماه می ۱۹۹۴ چنین توصیف شده است. «تلاش‌های بعمل آمده از سوی بازرگانان و دولت‌های عرب برای برقراری روابط دوستانه با اسرائیل به منظور انجام معاملات سودمند نشانگر آنست که اسرائیل در حال حاضر نه به عنوان کشوری مطرور بلکه بعنوان شریکی بالقوه در نظر گرفته می‌شود از سپتامبر ۱۹۹۴ تاکنون مقامات اسرائیلی در سفرهایی که به کشورهای قطر، عمان، تونس و مراکش داشته‌اند با استقبال گرم سران آن کشورها مواجه شده‌اند در حال حاضر قطر مشغول بررسی طرح صدور گاز طبیعی به اسرائیل است. مصر نیز مذاکراتی را در مورد احداث پالایشگاه نفت مشترک آغاز کرده و مقامات رسمی این کشور سرگرم گفتگو بر سر اتصال شبکه‌های برق اسرائیل و کشورهای عربی به یکدیگر هستند از سوی بازرگانان ثروتمند عربستان سعودی، کویت، قطر و بحرین را ملاقات با اسرائیل‌ها به

□ گارودی: اسرائیل نمی‌تواند بدون انطباق خویش با محیط، در خاورمیانه زندگی

کند. مگر به شرطی که به صورت نماینده یک استعمار مشترک باشد.

لندن، پاریس و قاهره سفر می‌کنند و از سوی دیگر مقامات اردنی، مصر و لبنانی به منظور برقراری تماسهای مشابه رهسپار بیت‌المقدس می‌گردند^۹ اما به نظر خواسته اسرائیل از برقراری روابط عادی در منطقه به سه دلیل عمده است:

۱- مشروعیت بخشیدن به رژیم نامشروع اسرائیل و شناسایی اسرائیل از سوی اعراب و تثبیت موقعیت و جایگاه اسرائیل در صحنه بین‌المللی

۲- فراهم آوردن زمینه‌های رشد و پیشرفت اقتصادی و فرصت نفوذ و مشارکت

در اقتصاد بین‌المللی

۳- در نهایت با تثبیت پایه‌های اقتصادی و تقویت جایگاه بین‌المللی، اسرائیل تلاش برای تحقق شعار «از نیل تا فرات» را پیگیری خواهد کرد.

حضرت امام خمینی(ره) در خصوص نیت دوّم رژیم نژادپرست چنین فرموده است: «... من کراراً تذکر داده‌ام که اسرائیل از نیل تا فرات را از خود می‌داند و شما را غاصب سرزمین‌های خویش می‌شمرد. اگر چه اکنون جرأت اظهار صریح آن را ندارد»^{۱۰} هم اکنون نمونه مهم اسرائیل تعارضات و اختلافات داخلی این سیستم

است و در صورت برقراری صلح ناپایدار امکان مرتفع نمودن این مشکلات را نخواهد داشت به همین دلیل رژیم نژادپرست هرگز در شرایط مساوی برای برقراری صلح با اعراب پشت میز مذاکره نخواهد نشست. شارون خواستار صلحی است که اعراب از اسرائیل گدایی کنند با وجود این شرایط، بهترین گزینه برای مردم فلسطین ادامه انتفاضه و عملیاتهای شکار شهادت طلبانه است آیا جز این راهی دارند!؟

تحلیل‌گران و پژوهشگران صهیونیست من جمله «سموحا» اعتقاد دارند که فلسطینیان اسرائیل هویت اسرائیل یافته‌اند و در نظام دموکراسی اسرائیل مبارزه و ابراز عقیده در چارچوب قانون را فراگرفته و از خشونت دوری خواهند کرد -گویا این خوش‌باوران تحلیل خویش را از وضعیت کشور و متحد سستی خویش -آمریکا- به ارث برده و به تصور اینکه آمریکائیان چون توانستند ساکنین مقیم آمریکا را ابتدا با سرکوب و ارعاب ساکت کنند و آنان که بازماندن در مسایل فرهنگی (بی‌فرهنگی اشغالگران) و اقتصادی پس از گذشت چند

قرن با متجاوزین هم کیش شوند این تحلیلگران یک نکته اساسی را فراموش کرده‌اند و آن اختلاف فرهنگ مردم مسلمان فلسطین است که هرگز قابل قیاس با فرهنگ ساکنین قبلی سرزمین آمریکا نیست فرهنگ اسلامی سرشار از آموزه‌های عدم پذیرش ظلم و مبارزه با ظلم تا پای جان است. مسلمانان فلسطینی در دراز مدت به هیچ وجه حاضر به پذیرش افکار بربریت و نژادپرستی رژیم صهیونیستی نخواهند بود. چنانکه تاکنون با وجود گذشت نیم قرن از بسته شدن نطفه نامشروع رژیم نژادپرست اسرائیل، هر روز شاهد شهادت طلبی این مردم مظلوم هستیم.

چگونه است تحلیلگران خوش باور اسرائیل با چنین شرایط تحقیرآمیز انتظار دارند. فلسطینیان مسلمان که دارای دین و فرهنگ غنی هستند در برابر این بی‌عدالتیها سکوت کنند و ظلم ستیزی را که از ابتدایی‌ترین آموزه‌های اسلام می‌باشد را فراموش کنند و به آن عمل نکنند! انتفاضه در لغت به معنی «قیام و جنبش» است که در سال ۱۹۸۷م اعتراض مسلمانان فلسطین بر علیه اشغالگران شروع شد. عملیات انتحاری و شهادت طلبانه جوانان فلسطین رویکردی است که با هیچ علم و تکنولوژی و امکانات امنیتی قابل پیشگیری نیست به واقع غرب و آمریکا پس از جنگ جهانی دوم و شروع جنگ سرد به دلیل در دست داشتن امکانات

هسته‌ای به عنوان قدرت بازدارندگی به یک امنیت و آسایش نسبی و رضایت‌بخش رسیده بودند و اینک عجز و ناتوانی را علی‌رغم وجود پیشرفته‌ترین امکانات امنیتی به وضوح درک می‌کنند. انتفاضه فلسطین و حرکتهای شهادت طلبانه مسلمانان در سالهای اخیر روند مهاجرت یهود به اسرائیل را کاهش داده و از طرفی در مقاطعی نیز باعث مهاجرت یهودیان از فلسطین به سایر نقاط جهان شده است رعب و وحشتی که بر اثر اقدامات شهادت طلبانه بر جان رژیم نژادپرست اسرائیل انداخته تا بدانجا است که در سفر اخیر شارون به آمریکا و ملاقات و مذاکره در خصوص مسایل صلح خاورمیانه و شرایط وی، ناتمام مانده و آریل شارون به سرعت به اسرائیل بازمی‌گردد تا خود وضعیت عملیات انتحاری یک فلسطینی که ۱۵ تن از صهیونیستها را به هلاکت رساند، و ۵۵ تن را زخمی کرد، را بررسی و خود اوضاع را به دست گرفته و اقدامات لازم را انجام دهد این نشان از ترس و وحشتی است که مقامات اسرائیل به هیچ وجه نمی‌توانند آن را پنهان کنند. آمریکا و آریل شارون وحشت از این دارند که فرهنگ شهادت طلبی بین جوانان فلسطین رواج یافته و آتش انتقام از رژیم نژادپرست اسرائیل عرصه را بر آمریکا تنگ نمود. و در این اقدامات حملات مستقیمی بر منافع ملی آمریکا در منطقه صورت پذیرد. به نظر نمی‌رسد قبل از سرکوب و نابودی

□ فرهنگ اسلامی سرشار از آموزه‌های عدم پذیرش ظلم و مبارزه با ظلم تا پای جان است.

حق مسلم هر انسانی است را می‌خواهند!! به راستی غصب سرزمین آبا و اجدادی مردم فلسطین و اینهمه بی‌عدالتی در حالی که ادعای حمایت از حقوق بشر آمریکا گوش فلک را کر می‌کند چگونه قابل توجیه است؟!

در چنین شرایطی، طبق آئین اسلام بر هر مسلمانی واجب است از مظلوم دفاع کند و با تلاش ریشه ظلم را بخشکاند - حضرت امام خمینی (ره) ۲۵ تیر ۱۳۶۱ طی پیامی به مناسبت روز جهانی قدس چنین فرمودند: «آنچه در این موقع که اسرائیل تجاوز گسترده

به بلاد مسلمین نموده و مسلمانان بی‌گناه و بی‌پناه را به خاک و خون کشیده است دولتهای منطقه انجام می‌دهند جز یک کلام بی‌محتوا و سازشکارانه نیست. و مصیبت بارتر آنکه از دست اسرائیل به آمریکا - جنایتکار اصلی - پناه می‌برند؛ و در حقیقت از خوف مار به اژدها روی می‌آورند و با داشتن ابزار مقابله با آنان حاضر به یک کلمه خشن یا یک تهدید نیستند و با این وضع باید همه حاضر برای محو و نابودی شوند و در طول زندگی خود به هر ذلتی تن دردهند»^{۱۱}

با وجود اینکه ۲۰ سال از آن سخنان حکیمانه رهبر کبیر انقلاب می‌گذرد گویی که امام این جملات را برای حوادث دلخراش اخیر «جنین» فرموده‌اند و چه عالمانه

انتفاضه صحبتي از هيچ مذاکره و اقدام عملی برای صلح در دستور کار مقامات اسرائیل و حامیان سستی آنان قرار بگیرد یکی از مشاوران شارون فلسفه شارون را اینگونه بیان می‌کند.

«باید اول ستون فقرات تروریستها را خرد کرد و سپس صلح کرد. ما حماس را خرد کرده‌ایم و ظرف پنج روز کار فتح را یکسره خواهیم کرد و سپس طرح جامع توسعه اقتصادی فلسطین را به اجرا خواهیم گذاشت»^{۱۲}

این تفکر و راهبرد سیاسی شارون و حمایت‌های متحد سستی وی تا بدانجا رسیده که تصمیم شورای امنیت سازمان ملل به منظور اعزام کمیسیون حقیقت‌یاب برای بررسی جنایتهای ددمشانه اسرائیل در جنین را لغو کردند و لکه‌ننگی بر دامان شورای امنیت گذاشتند و هر چه بیشتر نفوذ لابی صهیونیستها بر دولت آمریکا و شورای امنیت را نمایان کردند.

تروریست نامیدن شهادت طلبی مردم مظلوم فلسطین به خاطر اعتراض به اشغالگران بعنوان خطرناکترین پدیده جدید و ساختن شرکتهایی بر روی اجساد این شهیدان و آبیاری سرزمین فلسطین با خون این دلاوران تنها به این دلیل که حق زیستن که

بتواند بیان کند بلکه وی تفکر حاکمیت و حکومت کشور خویش را بر زبان می‌راند چنانکه می‌بینیم در عمل نیز با دفاع از رژیم غاصب اسرائیل در برابر جهان اسلام و حتی نقض حقوق بشر مدعای خویش، عملاً به اعتقادات و اظهارات خویش پایبند باقی مانده است.

حقیقت پس پرده جنگ تروریست:

غرب رها شده از خفقان قرون وسطی، با ورود به عصر رنسانس و پروراندن آرمانهای فردای بهتر و درخشان هر چه بیشتر جدایی دین از سیاست را زمزمه و سرلوحه راه آینده خویش قرار داد - نقطه مقابل فرهنگ غرب - یعنی فرهنگ و دین مبین اسلام با فروپاشی امپراطور عثمانی و اندکی وقف در بازگشت به ارزشهای اصولی صدر اسلام با ظهور انقلاب شکوهمند ایران، کشورهای منطقه در فکر حاکمیت مجدد اسلام راستین برآمدند.

بیرون راستین اسلام نه تنها فرهنگ لیبرالیستی غرب با اشعاری چون دموکراسی و آزادی تعریف شده آنها را مردود می‌دانند بلکه دموکراسی واقعی را نزد جوامع اسلامی متکی به اصل شورا و مشورت و آئین و قوانین اسلام می‌دانند.

یکی از دغدغه‌های غرب سه سرکردگی آمریکا و انگلیس، اعتقاد مسلمانان به عدم «جدایی دین از سیاست» است و وحدت دین با سیاست مانعی است در مقابل روند

پیش‌بینی کرده است از خوف مار به اژدها نباید پناه برد. سخن آخر اینکه ایران به جهت آموزه‌های ایدئولوژی و اعتقادی دین اسلام که دفاع از مظلوم را برای هر مسلمانی ضروری دانسته و از طرفی حفظ منافع ملی را هم راستا با حمایت انتفاضه مردم مظلوم فلسطین می‌داند و در پاسخ آنان که به شق دوم سخن اخیر معترض‌اند بایست گفت ساده اندیشانه است اگر تصور شود در صورت عدم حمایت ایران و یا بی‌تفاوتی به آن، آمریکا و اسرائیل از اهداف پلید خویش بر علیه اسلام و حاکمیت ایران عزیز صرف نظر خواهند کرد. چرا که آنان قانون «همه با ما» نه «همه با هم» را علی‌رغم تمام ادعاهای لیبرالیستی و دموکراتیک در ذهن پرورانده و عمل می‌نمایند و ملاک سنجش آن را تنها عملکرد خویش می‌دانند و هیچ ساختار حکومتی متفاوت با حکومت مورد پسند خویش را لایق زیستن در این گیتی و کره خاکی، نمی‌دانند و این خود متناقض‌ترین تفکر ادعاهای لیبرالیستی و دموکراتیک آنان است.

امریکا اسلام را همزاد خشونت، اغتشاش و تعصب می‌داند گوه این جمله نیز سخنان اخیر بوش و بیان محور شرارت و استفاده از لفظ جنگهای صلیبی پس از ماجرای ۱۱ سپتامبر است باید توجه داشت ساختار حکومتی دولت آمریکا طوری نیست که رئیس جمهور عقاید شخصی خویش را

□ مسلمانان فلسطین در دراز مدت به هیچ وجه حاضر به پذیرش افکار بربریت و نژادپرستی صهیونیستی نخواهند بود

جهانی‌سازی فرهنگ غرب و به طبع آن چپاول آن، چرا که با وجود ارزشهای نهادینه شده اسلام هرگز شرایط برای نفوذ فرهنگ لیبرالیستی مورد نظر غرب مهیا نخواهد شد به اعتقاد غرب اسلام بعنوان یک مذهب غیر سکولاریستی هرگز روی صلح مدنی را نخواهد دید و اسلام را سدی در برابر مدرنیته می‌دانند.

با پیشرفت علم و تکنولوژی در جهان امروز، امکان تبادل اطلاعات به حداقل زمان حتی دقیقه و لحظه فراهم آمده است و این امر واقعیت نابودی و مرگ فاصله‌های جغرافیایی را در پی داشته به همین جهت

چند سالی است که مهمترین دغدغه‌های کشور- دولتها، مقابله با تهاجم فرهنگی و حفظ ارزشها و فرهنگهای جامعه خویش در رنوس برنامه‌های قرار گرفته است.

به اعتقاد ساموئل هانتینگتن «اختلاف میان تمدنی، بسیار ریشه‌دارتر از اختلاف و رقابتهای درون تمدنی است اختلاف میان تمدنی شامل اختلافات در دین و ایمان مذهبی، جایگاه زن و مرد، حقوق و وظایف متقابل خود و دولت، حقوق انسانها، قدرت حاکم، وظیفه و عدالت است. فرهنگ بر

خلاف ناسیونالیسم یا کمونیسم، تنها نوعی نظام عقیدتی مصنوعی نیست بلکه فرهنگ تشکیل دهنده جوهره هویت و هویت و معرفت بوده و از برداشتهای اساسی زندگی است که محصول قرنهای فراز و نشیب اجتماعی است ۱۳ و در قرن اخیر فرهنگ لیبرالیستی غربی گوی سبقت را از سایر فرهنگها ربوده است و هر فرهنگی در تقابل آن قرار گیرد به عقب ماندگی یا تهدیدگری متهم می شود بخصوص پس از پایان جنگ سرد اعتقاد کارشناسان فرهنگ غربی بر این است که برخورد دو تمدن -اسلام و غرب- اجتناب ناپذیر است.

تر فرانسیس فوکویاما که معتقد است تنها در قالب اسلام با لیبرالیسم تنش و جنگ ایجاد خواهد شد بخصوص پس از ماجرای ۱۱ سپتامبر مسلمانان و اعراب را تروریست و ماجراجوئیهای خویش را مبارزه با تروریست تحت لوای جنگهای صلیبی می‌داند و آمریکا در تلاش است اروپا و دیگر هم پیمانانش را با خود متحد کند چنانکه در بحران افغانستان و سرکوب طالبان موفق شد. اما در خصوص بحران خاورمیانه و بخصوص فلسطین تاکنون چندان موفق عمل نکرده است و دائماً با ترفند و نیرنگ در تلاش است این اتحاد را به وجود آورد از جمله ترفندهای اخیر آمریکا انفجار اتوبوسی حامل مهندسين فرانسوی در کراچی پاکستان بود که تنها با گذشت چند روزی از پیروزی مجدد ژاک شیراک از حرکت‌های تاکتیکی این کشور به شمار می‌رود.

آیا آمریکا با تروریست می‌جنگد؟

یوسف نورعروض رییس سابق بخش پژوهش‌های جهان اسلام در دانشگاه سالفورد معتقد است: «این برداشت که هدف ایالات متحده در خاورمیانه هدفی اقتصادی است و به گرد محور نفت می‌گردد توهمی بزرگ است، زیرا در صورتی که بیشتر کشورهای این منطقه چندان ناتوان باشند که نتوانند منافع ایالات متحده را تهدید کنند، این کشور برای پاسداری از منافع خود در منطقه خاورمیانه به کسی نیاز نخواهد داشت افزون

بر این که نفت کالایی بیش نیست و درآمدزایی آن به دو طرف فروشنده و خریدار، بستگی خواهد داشت و کشورهای تولید کننده نمی‌توانند از کشورهای خریدار بی‌نیاز باشند.»^{۱۴}

آیا ناتوانی اعراب برای تهدید منافع آمریکا و غرب هم‌اکنون محرز نیست؟

به اعتقاد فوکویاما تنها در «قالب اسلام مخالفت‌هایی منطقه‌ای با نظریه لیبرال صورت خواهد گرفت»^{۱۵} بوش تحت لوای جنگ با تروریست تاکنون جنگ با مسلمانان و اعراب تروریست (به زعم وی) را سرلوحه کار خویش قرار داده است و وارد جنگی شده است که تعریف تروریست را خود القا می‌کند و غیر آن تعریفی نمی‌شناسد و به مذاقش خوش نمی‌آید. البته نحوه کشتار مردم مظلوم و غیر نظامی افغانستان به بهانه تعقیب گروه القاعده نشان از کینه و نفرت آمریکا از مسلمانان است.

بوش در جنگ تروریست نشان داد که به چه میزان به اعراب و حکام عربی برای حفظ منافع ابرقدرتها در منطقه بی‌اعتماد است. به نظر جنگی که این خون‌آشام آغاز کرده جنگ بر علیه تروریست نیست بلکه جنگ بر علیه اسلام و مسلمانان است و این اعتقاد و رویکرد جدید آمریکا پس از ماجرای ۱۱ سپتامبر تنها یک برنده ۱۰۰٪ و آنهم رژیم نژادپرست اسرائیل است.

پی نوشت :

- ۱- یهودیان جهان ص ۲۵- چاپ ۸۰ دوره هالی جنگ دانشکده فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۲- رژیم صهیونیستی، ساختار جمعیتی ص ۴۹، چاپ ۷۹ دوره هالی جنگ دانشکده فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ۳- یهودیان جهان ص ۳۲- چاپ ۸۰ دوره هالی جنگ دانشکده فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ۴- سازمان صهیونیستی ص ۲۴، چاپ ۷۹- دوره هالی جنگ دانشکده فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۵- سازمان صهیونیستی ص ۲۴، چاپ ۷۹- دوره هالی جنگ دانشکده فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۶- پرونده اسرائیل و صهیونیزم سیاسی - روزه کارودی ص ۶۰ و ۶۱- سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ۷- سازمان صهیونیستی ص ۳۸ چاپ ۷۹
- ۸- همان منبع ص ۱۳۹
- ۹- اسرائیل در صلح با جهان عرب ص ۲۸ و ۲۹- چاپ ۷۹ دوره هالی جنگ - دانشکده فرماندهی و ستاد پاسداران انقلاب اسلامی.
- ۱۰- صحیفه امام جلد ۱۹ ص ۳۲
- ۱۱- ماهنامه و صفحه اوله شماره ۶- اردیبهشت ۸۱- ص ۳۱
- ۱۲- صحیفه امام جلد ۱۶ ص ۳۸۱
- ۱۳- تقابل فرهنگی در روابط بین المللی اسلام و غرب ص ۲۷ چاپ ۷۹ دوره هالی جنگ - دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۱۴- ماهنامه آفتاب - فروردین ۸۱- ص ۷۰-۷۱
- ۱۵- منبع ردیف (۲) ص ۲

